

## وکالت مجلس از دیدگاه فقهی

وکالت مجلس، همانند بسیاری از کارهای دیگر یک نوع قراردادی است که بین نماینده مردم، یا بین او و حکومت بسته می شود و به موجب آن قرارداد، نماینده موظف می گردد که ساعتهای تعیین شده ای در مجلس حاضر شود و به انجام وظائف محوله اقدام نماید.

هر نوع قراردادی چه از نظر شرع و چهار نظر عرف و عقلاً متصف به صحت و فساد می گردد، یعنی قرارداد ممکن است فاسد انجام بگیرد چنانکه ممکن است صحیح منعقد شود. از باب نمونه: خرید و فروش (بیع) یک نوع قرارداد معاملی است که اگر شرائط آن موجود باشد صحیح است و اگر یکی از شرائط آن موجود نباشد فاسد و باطل است. مثلاً اگر فروشنده و خریدار، با یکی از آنها نابالغ باشند یا جنسی که فروخته می شود (مانند مسکرات) حرام شرعی باشد معامله باطل است. بنابراین، وکالت نیز

# انتخابات

## در نظر اسلام و قانون اساسی

ممکن است صحیح باشد و ممکن است باطل و فاسد باشد. اگر نماینده مجلس با وکالت باطله انتخاب شود علاوه بر اینکه ضامن حقوق دریافتی خود می باشد و کرسی مجلس برای او عصب است قوانینی هم که بوسیله رای مؤثر او تصویب می گردد کارش مشکلی می شود، زیرا رای یک نماینده غیر قانونی با رای یکی از نمایندگان یکسان خواهد بود و همانطور که رای یک تماشاچی نمی تواند در تصویب قانون مؤثر باشد رای نماینده غیر قانونی هم نمی تواند قانون را به تصویب برساند.

برای توضیح این مطلب لازم است، بطور مشروح مسئله نمایندگی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا روشن گردد شرائط صحت آن چیست و چه چیزهایی موجب بطلان آن می گردد.

انطباق وکالت مجلس با عناوین فقهیه:

وکالت مجلس از نگاه فقهی در مقام

نیوت و تصور بدوی، ممکن است با یکی از عناوین ذیل منطبق باشد:

۱- وکالت اصطلاحی، که در فقه اسلامی باب مخصوصی دارد و مورد بحث واقع شده است.

۲- کارمندی برای دولت (تحت عنوان اجاره).

۳- یک نوع زعامت که از ولایت فقیه منشاء می گردد.

۴- یک نوع قرار داد مخصوص عقلایی که تحت هیچیک از عناوین معهوده فقهی نمی باشد.

بنا بر احتمال اول، نمایندگی همان وکالت اصطلاحی فقهی است، به این صورت که یک نفر از طرف رای دهندگان و مردم وکیل می گردد تا از طرف آنها در مجلس شورای اسلامی با مشورت نمایندگان دیگر در چهارچوب قانون اساسی برای اداره کشور تصمیم بگیرند و حق الوکاله آنها توسط دولت به نیابت از ملت پرداخت می گردد.

وکالت اصطلاحی در فقه اسلام شرایط مخصوصی دارد که اگر نمایندگی مجلس همان وکالت با همان شرایط باشد در بدو امر اشکالاتی بنظر می‌رسد که باید مورد توجه قرار بگیرد، از اینرو لازم است در تعریف وکالت و شرایط آن دقت کنیم تا اشکالات و راه حل آنها روشن گردد.

### تعریف وکالت

در رساله<sup>۱</sup> تحریر الوسیله، امام است

در اینجا در مورد وکالت مجلس اشکال اول این است که بین رای دهندگان و نمایندگان منتخب آنها ایجاب و قبول لفظی صورت نمی‌گیرد، پس چگونه عقد وکالت بدون ایجاب و قبول منعقد می‌گردد؟ جواب اینست که بنا بر فتوای امام و بعضی دیگر از فقها، امر وکالت سهل است و با هر لفظی یا هر طریقی که موکل بفهماند وکالت داده است و وکیل قبول آنرا اعلام نماید وکالت منعقد می‌گردد.

وکالت اصطلاحی منطبق نمی‌باشد، ولی در حل این اشکال می‌توانیم بگوئیم اقلیت، قانون اساسی و قانون مربوط به انتخابات را پذیرفته و آنرا امضا<sup>۲</sup> نموده است و قانون، نماینده<sup>۳</sup> اکثریت را وکیل اقلیت هم می‌شناسد بنابراین آن اقلیت به نماینده<sup>۴</sup> منتخب اکثریت امضای ضمنی داده و او را بموجب قانون به وکالت پذیرفته است، و همین امضا و رضایت ضمنی برای صحت وکالت کافی است... اگرچه بعضی از موارد آن خالی از اشکال نمی‌باشد... و معمولا پس از اینکه نماینده با رای اکثریت انتخاب شد اقلیت هم عملا او را می‌پذیرد و همین پذیرفتن عملی نیز که بعد از انتخاب صورت می‌گیرد اگر با رضایت باشد برای صحت وکالت کافی است.

شرط دوم، بلوغ و عقل در طرفین:

شرط دیگر در صحت وکالت این است که وکیل و موکل بالغ و عاقل باشند و این شرط در قانون پیش بینی شده است.

در اینجا اشکال وکالت مجلس این است که وکیل با انتخاب رای دهندگان از طرف واحدین شرایط وکیل است، چگونه می‌تواند از طرف قاصرین (نابالغان و دیوانگان) و غائبین وکالت داشته باشد در صورتی که آنها نه وکالت داده‌اند و نه می‌توانند وکالت بدهند؟

حل این اشکال این است که امور قاصرین مربوط به اولیای آنها یا مربوط به ولی امر است و چون ولی امر به موجب امضای قانون وکالت نمایندگان را قبول نموده است کارهای مربوط به او نیز در این رابطه قهرا به نمایندگان واگذار می‌شود.

شرط سوم، مَجَز بودن عقد:

سومین شرط در صحت وکالت این است که عقد مَجَز و قطعی باشد و مشروط به شرطی نشده باشد.

مرحوم شهید در شرح لعمه می‌فرماید:

"و یشرط فیها التجزیز، فلو عُلقت علی

## اگر آراء تقلبی تکمیل کننده نصاب اکثریت باشد،

### موجب بطلان وکالت می‌گردد.

امام در تحریر الوسیله می‌فرماید:

"ألا تروی وتوعها بالمعاطاه... وبالجملة یتسع إلا مرفیها بعلا یتسع فی غیرها".

— اقوی این است که وکالت با معاطاه (بدون رد و بدل شدن الفاظ مخصوص) واقع می‌شود، و خلاصه در وکالت وسعتی هست که در قراردادهای دیگر نیست.

بنا بر این با رای دادن مردم، و قبول مسئولیت از طرف نماینده، وکالت منعقد می‌گردد و از اینجهت که این وکالت صیغه<sup>۵</sup> مخصوص ایجاب و قبول را ندارد اشکالی نیست.

اشکالی که در اینجا باقی می‌ماند اینست که با رای دادن افراد و قبول نمودن نماینده فقط بین افراد رای دهنده و نماینده آنها وکالت منعقد می‌شود و آن نماینده شرعا وکیل آنها محسوب می‌شود، پس چگونه می‌تواند از طرف اقلیتی که بهاورای نداده‌اند وکالت نماید؟

بموجب این اشکال، بعضی از صاحب نظران گفته‌اند نمایندگی مجلس با ضوابط

— دام ظله — وکالت اصطلاحی با این عبارت تعریف شده است:

"هی تفویض امر الی الغير لیعمل له حال حیاته او ارجاع تمثیة امر من الامور الیه له حالها".

وکالت آن است که شخصی کاری را به غیر واگذار نماید که در حال حیات برای او انجام دهد یا به طور کلی انجام کاری را بر عهده او بگذارد که در حال حیات موکل انجام بگیرد (خواه آن کار توسط شخص وکیل انجام شود یا او آنرا به دیگری واگذار نماید).

### شرایط صحت وکالت

شرط اول، ایجاب و قبول:

وکالت، مانند سایر معاملات از عقود است و صیغه<sup>۶</sup> مخصوصی دارد که باید دارای ایجاب و قبول باشد، به این صورت که وکیل کننده بگوید "تورا وکیل نمودم که فلان کار را انجام دهی" و وکیل بگوید "قبول کردم".

شرط متوقع... لم تصح".

در وکالت تنجیز شرط است، بنابراین اگر وکالت مشروط به شرطی شده باشد که آن شرط در آینده محقق می شود وکالت صحیح نمی باشد، مثلا اگر موکل بگوید: "تورا وکیل نمودم اگر فلان مسافر باید"، این وکالت چون مشروط است صحیح نمی باشد. به موجب این شرط در وکالت مجلسی این اشکال پیش می آید که از نظر قانون اگر حابنده، اکثریت آرا را بدست نیاورد انتخاب نمی شود و آرای اقلیت در حقیقت لغو است.

بنا بر این مؤثر بودن آرای افراد که به منزله ایجاب وکالت می باشد - مشروط به احراز اکثریت است، و همینطور قبول نماینده نیز مشروط به همین شرط است، (و در حقیقت زبان حال هر رای دهنده این است که این رای را به صندوق می ریزم و به این شخص وکالت می دهم مشروط به اینکه اکثریت را به دست بیاورد، و زبان حال کاندیدا هم این است که این وکالت را می پذیرم به همین شرط) و در این صورت وکالت باطل می باشد چون ایجاب و قبول به طور مشروط انجام گرفته است.

در جواب این اشکال می توانیم بگوئیم اگر چه مؤثر بودن آرا مشروط به احراز اکثریت و رای دادن به منزله ایجاب مشروط است و باطل می باشد ولی بعد از اینکه اکثریت به بار آمد و نماینده انتخاب شد هر رای دهنده ای به انتخاب او راضی است و اگر این رضایت با اقدام وکیل (که مشابه استیجاب و ایجاب است) صحیح وکالت نباشد حداقل موجب اذن در عمل برای وکیل می باشد.

همچنین می توانیم بگوئیم هر رای دهنده به طور قطعی و منجز، بدون در نظر گرفتن شرط مذکور رای می دهد، نهایت امر چون قانون انتخابات احراز اکثریت را شرط می داند اگر اکثریت به بار نیامد امکان انجام مورد وکالت برای وکیل نمی باشد و به موجب فقدان امکان انجام کار، وکالت او

باطل می باشد، ولی اکثرین اکثریت درست شود صحت وکالت از طرف رای دهندگان بلامانع است و بالاخره تصویر ایجاب منجز ممکن است.

شرط چهارم، شروع بودن عمل و امکان انجام آن برای موکل:

شرط دیگر این است که مورد وکالت یعنی کاری که وکیل برای انجام آن انتخاب می شود شرعا جایز و مشروع باشد، و موکل نیز برای انجام آن ممنوعیت شرعی نداشته باشد. امام - دام ظلّه - در تحریر الوسیله می فرماید:

"یشترط فیما وکل فیہ ان یکون سائفا فی نفسه وان یکون للموکل سلطنة شرعا علی ایقاعه فلا توکیل فی المعاصی".

مثلا اگر شخصی را برای خرید و فروش مسکرات وکیل نمایند این وکالت باطل است زیرا معامله مسکرات شرعا حرام است.

قوانین مربوطه به طور ضمنی اذن تصرف در اینگونه امور را به نمایندگان داده است و آنها در مورد اینگونه امور، وکیل ولی امر محسوب می شوند.

شرط پنجم، مورد وکالت باید قابل واگذار نمودن به دیگران بوده باشد:

در تحریر الوسیله آمده است:

"یشترط فی الموکل فیہ ان یکون قابلا للتفویض الی الغیر بان لم یعتبر فیها المباشرة" یعنی مورد وکالت باید قابل تفویض به غیر باشد و در انجام آن مباشرت افراد شرط نشده باشد، مثلا اگر مسلمانی دیگری را وکیل نماید که در حال حیات او برای او روزه بگیرد این وکالت باطل است، زیرا روزه را خود انسان باید بگیرد و در حال حیات، مکلف نمی تواند روزه خود را به دیگری واگذار نماید.

از لحاظ این شرط برای وکالت مجلس

## رای وکیل غیر قانونی در تصویب قانون

مؤثر نمی باشد و ارزش رای او برای يك نمازچای

یکسان است.

پرتال جامع علوم انسانی

اشکالی نیست زیرا در کارهای مربوطه به مجلس مباشرت مردم شرط نیست بلکه مباشرت همه آنها غیر ممکن است.

شرط ششم، معین بودن مورد وکالت:

امام، در تحریر الوسیله می فرماید:

"یشترط فی الموکل فیہ التعمین بان - لایکون مجهولا او مبهما".

- شرط است که مورد وکالت معین باشد،

یعنی مجهول یا مبهم نباشد، یعنی باید

در اینجا نیز برای وکالت مجلس این اشکال پیش می آید که بسیاری از کارها که در مجلس انجام می گیرد مانند وضع مالیات ها و امثال آن، کارهایی است که مربوط به ولی امر است و موکلین (وکیل کنندگان) که برای انجام آنها سلطنت شرعی ندارند چگونه می توانند دیگری را برای انجام آن وکیل نمایند؟

جواب این اشکال واضح است، زیرا ولی امر به موجب امضاء قانون اساسی و سایر

وکیل بداند برای چه کاری وکیل می شود ، و موکل هم بداند برای چه کاری وکیل معین می نماید . . . در اینجا این اشکال متوجه می شود که بسیاری از رای دهندگان نمی دانند کار مجلس چیست و برای چه کاری نماینده انتخاب می شود ، و شاید بعضی از کاندیداها هم با همه خصوصیات کارهای مجلس آشنا نباشند ، بنا براین چگونه وکالت نماینده از طرف اینگونه افراد رای دهنده تصحیح می گردد ؟

جواب این است که طبق فتوای بعضی از فقها ، و از جمله امام - دام ظلّه - اگر مورد وکالت عام یا مطلق باشد مانعی ندارد . در تحریر بعد از عبارت فوق می فرماید :  
 " نعم لا بأس بالتعميم والاطلاق " و بعد از این عبارت ، در مقام بیان یکی از صور تعمیم و ذکر مثال می فرمایند :  
 " كما اذا وكله في جميع التصرفات الممكنة في جميع ما يملكه او في ايقاع جميع ما كان له فيما يتعلق به بجميع انواعه " .  
 خلاصه فرمایش ایشان این است که اگر شخصی دیگری را در جمیع کارهایی که مربوط به او می شود به طور عموم وکیل نماید این وکالت صحیح است ، و قبل از این مطلب می فرماید : " اگر وکالت از جهت متعلق ، خاص باشد و از جهت تصرف ، عام باشد آن هم صحیح است ، مثلا اگر وکیل کننده بگوید تو را در جمیع تصرفات مربوط به خانام وکیل می کنم این وکالت نیز صحیح است " . بنا براین رای دهنده برای دادن خود نماینده را به طور عموم در همه کارهایی که در مجلس انجام می شود وکیل می نماید و از این طریق وکالت تصحیح می شود اگر چه این نوع تعمیم خالصی از اشکال نمی باشد .

### وکالت مجلس بعنوان کارمندی

عنوان دیگری که می تواند وکالت مجلس منطبق بر آن باشد عنوان اجساره است ، یعنی رئیس حکومت اسلامی نمایندگان

مجلس را به عنوان کارمند استخدام می کند و کار آنها شور و تمایل نظر و قانونگذاری و تصمیم گیری در چهارچوب مقررات شرع و قانون اساسی می باشد . در این صورت می توان گفت رای مردم در حقیقت شهادت بر نایبگی کاندیداها محسوب می شود ، و می توان گفت مقام حکومت گزینش آنها را از طریق انتخابات به مردم واگذار کرده است اما قرار داد کار بین آنها و مقام حکومت تحت عنوان اجاره ولو به نحو معاطاه بسته می شود .

### نمایندگی تحت عنوان زعامت

عنوان سوم که ممکن است نمایندگی مجلس را تحت آن در آوریم این است که نمایندگی یک نوع زعامت شرعی است که از



ولایت کلیه مشعّب می شود و مقام ولایت امر که همه کارها شرعا به او مربوط می گردد از باب تقسیم کار که لازمه انجام کارهای مترکّم است این زعامت را به عنوان یک وظیفه به نمایندگان محول نموده است ، نهایت امر انتخاب آنها را برای تصدی این وظیفه تحت شرایط خاصی بر عهده مردم گذارده است .

### نمایندگی یک قرارداد مخصوص اجتماعی

عنوان چهارم این است که بگوئیم نمایندگی مجلس یک قرارداد مخصوص اجتماعی است و تحت هیچیک از عناوین

معهوده فقهی نمی باشد ، و چون یک قرار داد معقول عقلانی است ادله تنفیذ عقود ، آنرا شامل می شود و از نظر شرعی یک قرارداد صحیح و نافذ می باشد .

### عامل بطلان وکالت

پس از توضیح و روشن شدن وکالت مجلس از دیدگاه فقهی به خوبی بدست می آید که یکی از چیزهایی که موجب بطلان وکالت است ( با شرائطی که خواهیم گفت ) آرای نقلی و تقلب در شمارش آرا است .

### نقش آراء نقلی

اگر آرای نقلی و غیر قانونی تکمیل کننده نصاب اکثریت باشد ، به طوری که اگر آنها را از مجموع آرا جدا کنیم اکثریت



به بار نمی آید موجب بطلان وکالت میگردد چه اینکه وکالت مجلس را همان وکالت اصطلاحی بدانیم با آنرا با یکی از عناوین دیگر منطبق نمائیم ، زیرا اگر وکالت مجلس همان وکالت اصطلاحی فقهی باشد و اشکال پیش می آید .

اشکال اول این است که اگر اکثریت از راه غیر قانونی باشد وکالت نماینده از طرف اقلیت تصحیح نمی شود ، زیرا اقلیت به موجب امضای قانون ، وکالت نمایندگی اکثریت را امضا نموده است و اگر اکثریت قانونی نباشد امضای اقلیت اجراء نمی شود و نیز نماینده ای که اکثریت قانونی ندارد در

کارهایی که مربوط به ولی امر است ماذون نمی باشد، زیرا ولی امر به موجب قانون اذن داده است و اذن او شامل نماینده غیر قانونی نمی شود.

اشکال دوم این است که چون قانون، اکثریت مشروع را شرط می داند نماینده ای که با اکثریت نامشروع انتخاب شده است نماینده قانونی نیست و قانونا حق مداخله در کارهای مجلس را ندارد، و چون قانون جمهوری اسلامی یک قانون شرعی است و رعایت آن شرعا لازم است این نماینده، تسلط شرعی بر انجام کارهای مجلس را ندارد و شرعا از انجام آن ممنوع است و قهرا شرط چهارم را که در وکالت ذکر کردیم واجد نخواهد بود، و وکالت او از طرف افرادی هم که به او رای صحیح و قانونی داده اند باطل خواهد بود، و اگر نماینده مجلس را کارمند مقام حکومت بدانیم در این فرض هم آرای فاسده موجب فساد اجاره است، زیرا اولاً صحت اجازه از طرف مسئول حکومت به موجب قانون است و چگونگی انتخاب این نماینده قانونی نیست صحت اجاره نیز وجهی ندارد، و ثانیاً چون کارها و تصرفات نماینده غیر قانونی در مجلس شورای اسلامی از نظر شرعی جایز نمی باشد استیجار او نیز برای این کار غیر مشروع صحیح نخواهد بود، و اگر وکالت مجلس را یک نوع زعامت بدانیم چون (بوسیله رای تقلبی) خلاف قانون است دلیلی بر صحت آن نداریم، زیرا اعطای زعامت از طرف ولی امر به موجب قانون است، و به نماینده ای که به طور غیر قانونی به مجلس آمده اعطای زعامت نمی شود، زیرا زعامت به عنوان نماینده قانونی مردم داده می شود نه به عنوان شخصی و اشخاص معین، و اگر آنرا یک نوع قرار داد و پیمان مخصوص بدانیم آنهم (بوسیله رای غیر قانونی) باطل خواهد بود، زیرا این پیمان مخصوص که طبعاً بین مردم و نماینده بسته می شود مبنی بر قانون است، و ملت هیچگونه تعهدی در مقابل پیمان غیر قانونی ندارد، و ادله

لزوم وفا به عهدها و پیمانها اینگونه موارد را شامل نمی شود، و به تقریب دیگر ملت اسلام قبل از اینکه برای نماینده مجلس رای بدهد به قانون اساسی رای داده است و در حقیقت با رئیس حکومت اسلامی یعنی ولی امر در اجرای قانون اساسی بیعت کرده است و این بیعت، او را در وفاداری به قانون اساسی ملزم می نماید، بنا بر این همان ادله لزوم وفا به پیمانها او را ملزم می کند که نمایندگی غیر قانونی را نپذیرد و آنرا باطل اعلام نماید.

### اقسام آرای تقلبی

آرای تقلبی همانطوری که اشاره کردیم اگر تکمّل تصاب اکثریت باشد مبطل وکالت است و این حکم در همه اقسام آن جاری خواهد بود. برای توضیح بیشتر به اقسام آن اشاره می شود:

۱- رای های مکرر، اگر یک نفر چند مرتبه رای بدهد غیر از رای اول اگر قانونی بوده است بقیه رای ها تقلبی و باطل خواهد بود.

۲- برگه رای بدون رای دهنده، مثل اینکه افراد مسئولین صندوق ها یا دبیران برگه ها را با نام های جعلی به صندوق بفرستند.

۳- رای های افراد بدون اینکه شناسنامه همراه داشته باشند، (در صورتیکه در قانون بودن شناسنامه شرط شده باشد).

۴- رای با شناسنامه افراد فوت شده یا افرادی که به سن قانونی انتخاب گذشته نرسیده باشند.

۵- رای با تغییر نام، مثل اینکه شخص بی سوادى مثلاً بگوید رای را برای حسین بنویس و نویسنده بدون اطلاع او به نام حسن بنویسد.

۶- رای با شناسنامه افراد بدون اینکه صاحب شناسنامه حاضر باشد، (در صورتی که قانون حضور رای دهنده را شرط کرده باشد) مانند اینکه بعضی از افراد تعدادی شناسنامه را جمع کنند و از روی هر کدام یک رای به صندوق ببرند.

### تقلب در شمردن آراء

افرادی که رای ها را شماره می کنند ممکن است - نعوذ بالله - در شمارش آنها تقلب کنند و اسامی بعضی از افراد را به جای دیگران بخوانند، اگر به وسیله این عمل تعداد آرا بالا برود به طوری که اگر شمارش های دروغین را حذف کنیم اکثریت باقی نمی ماند آنهم موجب بطلان وکالت میگردد و اگر تعدادی از آرای تقلبی در صندوق ریخته شده که اگر خود آن آرا را حذف کنیم اکثریت باقی می ماند آن تعداد موجب بطلان نمی گردد، ولی اگر آرا به گونه ای است که صندوق حاوی آنها قانوناً باید باطل شود آن صندوق اکثریت باقی نمی ماند آنهم موجب بطلان است.

### يك سفارش به رأی دهندگان

رعایت کلیه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی چون موافق با نظر امام عادل است واجب می باشد و تخلف از آن حرام است، بنابراین هر رای دهنده یا مسئول اداره امور انتخابات باید بدانند با تقلب در آراء علاوه بر اینکه فعل حرام مرتکب شده است و در قیامت مؤاخذه می شود اگر شخصی را با تقلب وارد مجلس کرد آن شخص را به طور ندانسته مرتکب خلاف نموده است و مسئولیت بسیار سنگینی دارد.

### يك پرسش و پاسخ

ممکن است سؤال شود اگر شخصی بداند که با ریختن رای تقلبی در صندوق شخص صالح تری به مجلس می رود و با این قصد تقلب نماید چه صورت دارد؟

جواب این است که آنهم شرعاً خلاف است و هیچکس با رای غیر قانونی نمی تواند به مجلس اسلامی برود اگر چه از رقیب خود صالح تر باشد و همانطوری که مشروحاً بیان کردیم آرای تقلبی از نظر حکم وضعی مبطل وکالت است چه اصلح را انتخاب کند چه غیر اصلح را.

ادامه دارد